

Validation of Medical Narratives

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Aurhors
Maryam Sharifpour¹
Melika Kordlouie^{2*}

How to cite this article

Maryam Sharifpour, Melika Kordlouie, Validation of Medical Narratives, *Journal of Quran and Medicine*, 2023;7(4):34-43.

1. Assistant Professor, Department of Education, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Education, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: m.kordlouie@gmail.com

Article History

Received: 2022/11/30

Accepted: 2023/03/16

ABSTRACT

Referring to hadiths in understanding religious teachings is a familiar practice in religious thought; From the very beginning of Islam, Muslim scholars referred to hadiths to understand the depth of religion. Therefore, when it comes to benefiting from hadiths in a specific field of knowledge such as medicine, the use of its content becomes particularly important and the necessity of an expert look at the subject. Arises. Today, due to the general popularity and extreme approaches to traditional and Islamic medicine, we are witnessing the occurrence of unfortunate consequences in the field of public health, which can cast doubts on all religious propositions; Although the approach of scholars is different when faced with different medical traditions, the majority of Muslim scholars consider it necessary to present narrations based on the rules of criticism and refinement of hadith.

And considering the many challenges and complexities that exist in this type of narrations, it is necessary for experts to review them.

In this article, by examining the point of view of hadith scholars, the documentary and textual foundations of the validity of medical narrations have been examined, and in the documentary validity of medical narrations, Islamic scholars agree on the acceptance of frequent medical narrations that are subject to evidence of authenticity, and the validity of medical narrations that are not subject to evidence. which was narrated by Thaqā, like other hadiths, they are divided into two categories and there are differences of opinion. Considering the experimental nature of the subject of medicine, the criterion of non-contradiction with experience and scientific findings is particularly important among the general criteria of text criticism. We also mentioned some of the criteria in the external criticism, the criteria that can be helpful in solving the complexities of this category of narrations, such as measuring the authenticity of the narration and books and checking the health of the narration in terms of distortion and correctness, intersection and transfer in meaning.

Keywords: Medical Hadiths, Validity, Understanding Hadiths, Internal Criticism, External Criticism, Definitive Achievements of Science.

اعتبار سنجی روایات پزشکی

مقدمه

معصومان (ع) با نگاه واقع‌گرایانه به انسان، به مفاهیم سلامتی، بیماری و درمان او توجه کامل داشته‌اند. از همین رو بخش قابل‌اعتنایی از روایات معصومان ع را احادیث پزشکی تشکیل می‌دهد. معصومان (ع) همتای قرآن کریم هستند و با توجه اینکه شان قرآن، هدایت است نه بیان مسائل علمی؛ بنابراین شأن پیامبر (ص) و جانشینان حضرت (ص) نیز هدایت مردمان است. نه بیان مسائل درمانی و پزشکی.

ایت‌الله مصباح نوشته است: «شأن پیامبر(ص) هیچ‌گاه این نبوده که مسائل طبی و فیزیکی را بیان کند، بلکه شأن پیامبر(ص) هدایت بوده است و بشر باید با انگیزه خود علم را کسب کند. مسائلی که از سوی پیامبراسلام (ص) در این زمینه مطرح شده تنها در حکم تفضل و کمک بوده است. (۱)»

با مراجعه به کتب سیره و تاریخ، مواردی از مراجعه پیامبر(ص) به طبیب در هنگام بیماری نقل شده است. برای نمونه در کتاب نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، آمده است: حضرت(ص) در اواخر عمر بسیار بیمار می‌شدند و پزشکان عرب و عجم نزد او می‌آمدند و معالجه می‌کردند. (۲). برخی روایات نیز بیانگر این امر است که حضرت (ص) بیماران را به پزشک ارجاع می‌دادند؛ روایتی در بحار الانوار نشان می‌دهد که «... روی آن رجلا جرح علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: ادعوا له الطیب فقالوا یا رسول الله و هل یغنی الطیب من شیء؟ فقال: نعم ما أنزل الله من داء الا أنزل له شفاء»، مردی در زمان رسول خدا(ص) زخم خورد. حضرت (ص) فرمودند: برایش پزشک بیاورید. گفتند: یا رسول الله (ص) پزشک سودی دهد؟ فرمود: آری خدا دردی نداده، جز آن که درمانی برایش نهاده است. (۳)

در طبقات ابن سعد نیز درباره «حارث بن کلد» چنین آمده است: او پزشک عرب بوده و پیامبر (ص) هرکس را که بیمار بود فرمان می‌داد پیش او برود و از بیماری خود از او بپرسد (۴)؛ برای نمونه سعد بن ابی وقاص چنین می‌گوید: بیمار شدم؛ پیامبر(ص) به عیادت من آمدند و دست خود را میان سینه ام نهادند که سردی و لطافت آن را در قلب خود احساس کردم، و به من فرمودند: تو از لحاظ قلبی بیماری، به حارث بن کلده تقفی مراجعه کن که او طبیب است. (۵).

بنا به نقل تواریخ، حارث بن کلده دانش‌آموخته جندی شاپور فارس بوده و بنا بر قول برخی از این کتب، وی اسلام نیاورد. (۶). ذکر این موارد توجه به امر ارجاع پیامبر(ص) به طبیب غیر مسلمان است در مقابل تفکر مخالفان پزشکی نوین، که به علت برآمدن از فرهنگ و تفکر غیر اسلامی آن را نمی‌پذیرند. دلیل دیگر بر صحت این نظر روایتی از امام جعفر صادق(ع) درباره کسی است که یهودی یا ترسا او را مداوا کند، سؤال شده است؛ آنه سئل عن الرجل یداویه الیهودی و النصر قال: فرمود: لا بأس انما الشفاء بیدالله؛ باکی ندارد، همانا درمان به دست خداست. (۷).

در کتب تاریخ و مقاتل از حضور پزشک بر بالین امیرالمؤمنین (ع) و طبابت وی بر روی ایشان گزارش شده است؛ برای نمونه در ترجمه مقتل امیرالمؤمنین(ع) ابی‌الدنیا، چنین آمده است: چون ابن ملجم،

مریم شریف پور^۱

استادیار، گروه معارف، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ملیکا کردلویی^{۲*}

استادیار، گروه معارف، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

مراجعه به احادیث در فهم آموزه‌های دین، عملکردی آشنا در اندیشه دینی است؛ از همان صدر اسلام، عالمان مسلمان برای فهم ژرفای دین به احادیث مراجعه می‌کردند از این رو زمانی که سخن از بهره‌مندی از احادیث در یک حوزه دانشی خاص مانند پزشکی است، استفاده محتوایی از آن اهمیت ویژه‌ای یافته و ضرورت نگاه تخصصی به موضوع مطرح می‌شود. امروزه با توجه به اقبال عام و رویکردهای افراطی و تفریطی به طب سنتی، اسلامی، شاهد بروز پیامدهای ناگواری در حوزه سلامت عمومی هستیم که می‌تواند تردیدی در تمام‌گزاره‌های دینی ایجاد نماید؛ هرچند رویکرد عالمان در مواجهه با روایات طبی مختلف است، اما غالب عالمان مسلمان، عرضه روایت بر قواعد نقد و پالایش حدیث را لازم می‌دانند و با توجه به چالش‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری که در این نوع از روایات وجود دارد بررسی آنها از سوی صاحب نظران امری ضروری است.

در این نوشتار با بررسی دیدگاه حدیث پژوهان، مبانی سندی و متنی اعتبار روایات طبی بررسی شده است و در اعتبار سندی روایات طبی، علمای اسلام ضمن اتفاق نظر بر پذیرش روایات طبی متواتر و محفوف به قرائن صحت، در حجیت روایات طبی غیر محفوف به قرائن که توسط ثقه نقل شده باشد همانند سایر روایات دو دسته شده‌اند و اختلاف نظر دارند. با توجه به ماهیت تجربی موضوع طب، معیار عدم مخالفت با تجربه و یافته‌های علمی در میان معیارهای عمومی نقد متن اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین به بخشی از معیارها در نقد بیرونی اشاره کردیم معیارهایی که در حل پیچیدگی‌های این دسته از روایات می‌تواند راهگشا باشد نظیر سنجش اصالت روایت و کتب و بررسی سلامت روایت از حیث تحریف و تصحیف، تقطیع و نقل به معنا.

کلیدواژگان: احادیث پزشکی، اعتبار، فهم روایات، نقد درونی، نقد بیرونی، دستاوردهای قطعی علم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

* نویسنده مسئول: m.kordlouie@gmail.com

گذری بر گستره طب روایی بخش قابل توجهی از میراث حدیثی مسلمانان را روایات مربوط به پزشکی تشکیل می‌دهد. مسائل مطروحه در روایات طبی، دامنه گستره‌ای دارد و از جنبه‌های مختلفی به سلامت انسان پرداخته شده است. برخی از این روایات حاوی دستورالعمل‌هایی برای سلامت و پیشگیری است. برشمردن فواید غذایی، دارویی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، حجم گستره‌ای از متون روایی را در بر دارد (۲۱)، از دیگر مطالب پرتکرار، روایاتی مربوط به مزاج شناسی است (۲۲) اما آنچه بیش از همه مورد توجه بوده است. راهکارها و تجویز داروها برای درمان است (۲۳)

شایان ذکر است بخش گسترده‌ای از ابواب طبی به تأثیرات ماوراء طبیعی و درمان روحی اختصاص دارد مواردی مانند: دعا درمانی (۲۴) یکی از مفصل‌ترین آثار در این باره مجمع الدعوات غیاث الدین علائی است که شامل مجموعه ادعیه و اورادی برای پیشگیری و درمان بیماریهاست، همچنین مجموعه‌ای از تعویذها و حرزها در روایات طبی از ائمه (ع) به ثبت رسیده است. (۲۵) و همچنین پیشوایان دین اسلام، انجام کارهای خیر و ثوابی مثل قربانی و صدقه را در شفای بیماری مؤثر دانسته‌اند. (۲۶)

دسته بندی روایات طبی

ابن قیم جوزی امراض را به دو دسته امراض بدنی و امراض روحی تقسیم کرده است و روایات طبی را ناظر به این دو دسته دانسته است: طب بدن و طب روان. مجموعه روایات طبی روان و تن را به دو مرحله پیشگیری و درمان با بیان توصیفی و یا دستوری می‌توان تقسیم نمود.

روایات پیشگیری

برخی از روایات به صورت توصیفی یا دستوری به پیشگیری از امراض اشاره دارند؛ به این معنا که در این دست از روایات عمل به این دستورها یا توصیه‌ها روان و جسم را از مبتلا شدن به بیماریها حفظ می‌کند. مثلاً گفته شده است برای دورماندن از تغییرات ناگهانی آب و هوا در آغاز سرما از خود بیشتر مراقبت کنید. «توقوا البرد فی أوله، و تلقوه فی آخره فأنه یفعل فی الأبدان کفعله فی الأشجار أوله یحرق و آخره یورق» (۲۷)

روایات درمانی

بخش اعظمی از روایات طبی را می‌توان در این دسته قرار داد. یعنی روایاتی که به مرحله‌ای پس از ابتلای انسان به بیماری روانی و جسمی توجه کرده‌اند. نظیر اینکه در روایات توصیه شده که تب را با سیب یا با استفاده از آب سرد درمان کنید. (۲۸)

ارا و نظرات از منشأ علم پزشکی معصومین (ع) دیدگاه متفکران اسلامی درباره‌ی منشأ علم پیامبر (ص) و ائمه (ع)، متفاوت است. برخی معتقدند علم معصومین (ع) در مسائل طبی مانند امور دینی، و حیاتی است. از جمله شیخ مفید به صراحت، می‌نویسد: «طب، صحیح است و علم بدان ثابت و طریق آن وحی می‌باشد و علما

علی (ع) را ضربت زد، ابن اثیر کندی که پزشک بود، بر بالین علی (ع) فراخواندند. (۸). همچنین شیخ عباس قمی در کتاب منتهی الامال به نقل از ابوالفرج اصفهانی آورده است: به جهت معالجه زخم امیرالمؤمنین (ع)، اطباء کوفه را جمع کردند، و عالم تر آنان در عمل جراحی شخصی بود که او را اثیر به عمرو می‌گفتند. سپس به تشریح اقدامات طبیب می‌پردازد. بر اساس مطالب گزارش شده از سیره علوی، نشان از استفاده از درمان طبیبان است. در سیره امام حسن (ع) نیز در ذکر وقایع شهادت حضرت (ع)، از حضور طبیب برای معاینه ایشان توسط طبیب گزارش شده است. (۹). همچنین در کتاب منتهی الامال از حضور امام جواد (ع) نزد طبیب برای فصد گزارش شده است. (۱۰). بر اساس مطالب ذکر شده، روش است که برخی از معصومان (ع) به طبیب برای مداوا مراجعه می‌نمودند و این امر گاه با حضور معصوم دیگر و حتی مراجعه به طبیب غیر مسلمان نیز صورت گرفته است. همچنین ارجاع بیماران توسط معصومان (ع) به پزشک مؤید این مطلب است که هدف از رسالت و امامت، هدایت انسان به سمت سعادت است و ورود پیشوایان دینی و طبابت ایشان به جهت اثبات حقانیت و نشان دادن علم و قدرت لدنی ایشان به مردم است که خدای متعال به ایشان عطا فرموده است.

وجود روایات طبی

وجود روایاتی در عرصه طب، بهداشت، پیشگیری از بیماریها و مهارت درمان آنها نشانگر آن است که قلمرو دین افزون بر عرصه های معنوی، اموری دیگر همچون طب و بهداشت را نیز در بر می‌گیرد (۱۱)

در سخنی منتسب به امام علی (ع)، علم به سه دسته تقسیم شده و در کنار یادکرد از نحو عربی و علم دینی، به دانش طب اشاره فرموده است. (۱۲). در برخی نصوص دینی، ائمه خود را بهترین طبیبان معرفی کرده‌اند. برای نمونه روایتی منتسب به امام باقر (ع) است. (۱۳)، که نشانگر اهمیت طب نزد ایشان است.

همچنین وجود روایاتی که بیان می‌دارد مسلمانان به ویژه شیعیان هنگام بیماری از پیشوایان دینی راه چاره طلب کردند و افزون بر مراجعه حضوری و درخواست تجویز و معجون حتی گاه با ارسال نامه انجام شده است که نشانگر اقبال گسترده در این زمینه است. (۱۴). حضور ائمه در مناظرات طبی (۱۵) و بازگو کردن تجویزهای طبیبان نزد پیشوایان و مشورت خواهی از آنان (۱۶) از دیگر نشانه های جایگاه والای پیشوایان دینی در مسائل پزشکی است.

نتیجه اهتمام پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به مسائل مختلف حوزه سلامت، در حجم گسترده‌ای از روایات ثبت شده در جوامع حدیثی قابل مشاهده است. نخست به شکل بابی مستقل در جوامع روایی که برای نمونه به بخاری (۱۷) و کلینی (۱۸) می‌توان اشاره کرد. و سپس تألیف آثاری مستقل در این حوزه که برای شناسایی اولین کتب می‌توان به فهرست ابن ندیم (۱۹) و حاجی خلیفه (۲۰) رجوع کرد. در سالهای اخیر نیز با گرایش به طب سنتی و اسلامی مراجعه به احادیث و روایات رو به افزایش است.

۶. بحارالانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) کتاب الطب، باب الزکام، ج ۵۹ و ج ۹۵، ص ۱۸۳
۷. طب الرضا یا الرساله الذهبیه، منسوب به امام هشتم (ع) مهمترین اثر طب متأثر به شمار می آید
۸. طب الائمه منتسب به عبدالله و حسین، فرزندان بسطام (م ۳۴۱)
۹. طب الائمه، سید عبدالله شبر (۱۱۸۸-۱۲۴۲ق)
۱۰. موسوعه الاحادیث الطیبه محمدی ری شهرری با عنوان دانش نامه احادیث پزشکی ترجمه شده است.

ب: مصادر اهل سنت که بخشی از آنها به روایات پزشکی اختصاص دارند:

۱. صحیح بخاری (۲۵۶ق) کتاب الطب، کتاب المرض و الطب، ج ۷، ص ۲، ۱۲۰ حدیث
۲. صحیح مسلم (۲۶۱ق)، ج ۷، ص ۱۳، ۱۲۰ روایت
۳. سنن ابن ماجه (۲۷۳ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۱۱۳۷
۴. سنن ابی داود (۲۷۵ق)، ج ۲، ص ۲۱۹
۵. سنن الکبری، نسائی (۳۰۳ق) کتاب الطب، ج ۶، ص ۳۵۲
۶. المستدرک الحاکم نیشابوری (۴۰۵ق) کتاب الطب، ج ۴، ص ۲۲۰
۷. مجمع الزوائد، هیشمی (۸۰۷ق) کتاب الطب، ج ۵، ص ۸۴
۸. شرح مسلم النووی، باب الطب و المرض، ج ۴۱، ص ۱۶۹
۹. المصنّف ابن ابی شیبّه، کتاب الطب، ج ۵، ص ۴۲۱
۱۰. الطب النبوی، ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ یا ۴۳۲ق)
۱۱. الطب النبوی، موفق الدین عبداللطیف البغدادی (۵۷۷-۶۲۹ق)
۱۲. الطب النبوی، ابن قیم جوزیه (۶۹۱-۷۵۱ق)
۱۳. المنهج السوی و المنهل الروی فی الطب النبوی، جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۰ق)

و سرانجام در دوره معاصر با ظهور بحث های اعجاز علمی، نویسندگانی سعی کردند با نگاه به پزشکی مدرن، روایات را تحلیل کنند. برای نمونه کتاب های:

- الاعجاز الطبی فی السنه النبویه، مویل؛
موسوعه الاعجاز العلمی فی الحدیث النبوی، احمد شوقی؛
الاعجاز الطبی فی القرآن و السنه، جزائری.

ارزیابی احادیث طبی

با فاصله گرفتن از عصر حضور معصوم، حدیث تنها طریق دستیابی به گفتار و کردار ایشان است؛ به همین دلیل غالب عالمان، سنجش اعتبار سندی و دلالتی روایت را در اولویت قرار دادند؛ از مسائل مهم در استناد به این روایات، شیوه اعتبار سنجی آنها از جهت سند و متن است.

جایگاه سند در حجیت روایات طبی

برای بررسی دیدگاه علما درباره شرایط سندی حجیت روایات طبی ابتدا باید دیدگاه های ایشان را درباره حجیت خبر به دست آورد. تا از این خلال نظر ایشان درباره روایات طبی نیز روشن شود.

آن را از پیامبران گرفته اند، چه هیچ راهی برای فهم حقیقت درد و دوا مگر به سماع و توقیف نمی باشد.» (۲۹) ابن طاووس نیز در نفس المهموم با شیخ مفید هم نظر است و منشأ تمام علوم را وحیانی دانسته است. «ان الله تبارک و تعالی اهبط آدم من الجنه و عرفه علم کل شیء فکان مما عرفه النجوم و الطب» (۳۰) خدای تعالی آدم را از بهشت بر زمین فرود آورد و از جمله دانش هایی که به وی آموخت، طب بود. ابن قیم جوزی نیز اقوال و افعال پیامبر (ص) در طب را الهی و صادر از وحی و مشکات نبوی و کمال عقل می داند. (۳۱) در مقابل برخی از عالمان اسلامی به طور کلی منکر وحیانی بودن دانش طب هستند و آن را ثمره پیشرفت و تمدن بشری و مأخوذ از طب تجربی دانسته اند. از جمله ابن خلدون که اندیشه وحی انگاری روایات پزشکی را به تمامه رد می کند و علم به امور دنیوی از جمله طب را رسالتی دینی و پیامبری به شمار نمی آورد در نتیجه احادیث پزشکی را در حوزه شرع نمی داند. البته ابن خلدون معتقد است که چنانچه فردی با قصد تبرک و با اعتقاد و ایمان، روایات طبی را به کار بندد، اثری نافع خواهد داشت؛ هرچند دیگر از مقوله طب نخواهد بود (۳۲) خواجه نصیرالدین طوسی نیز به صراحت یادآور می شود که تعلیمی از سوی پیامبران در زمینه علم طب و طبع گیاهان دارویی نرسیده است. (۳۳) در این میان نظریات بینابینی هم وجود دارد بدین معنا که برخی از آنها ریشه در وحی دارد و برخی دیگر، بیان تجربه های پیشوایان دینی و یا برگرفته از تجارب دیگران است؛ از جمله طرفداران این نظریه، شیخ صدوق و محمد باقر مجلسی هستند. (۳۴).

تألیف ها پیرامون طب روایی

از سده دوم هجری به بعد با اهمیت یافتن کتابت حدیث، روایات طبی نیز در مهمترین کتاب های حدیثی شیعه و اهل سنت ثبت شد. (۳۵) اما گرایش به تألیف آثاری مستقل در طب روایی، به بعد از عصر ترجمه باز میگردد. ظهور نص گرایان اصحاب حدیث متأخر در سده های متقدم هجری، بر رشد آثار طب متأثر افزود و محدثان کوشیدند تمام علوم مورد قبول خود، از جمله طب را از رهگذر حدیث ارائه کنند. (۳۶)

الف: مصادر شیعی که بخشی از آنها به روایات پزشکی اختصاص دارند:

۱. فقه الرضا، منسوب به امام رضا ع (م ۲۰۲ق)، باب الطب، ص ۳۴۰-۳۴۱
۲. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد بن حیون (۳۶۳ق) کتاب طب، ج ۲، ص ۱۳۵
۳. السرائر، محمد بن احمد بن ادريس (۵۴۳-۵۹۸ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۱۳۷
۴. المهذب، ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق) کتاب الطب، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۵۲
۵. الفصول المهمه فی اصول الائمه، محمد بن حسن عامری (۱۰۲۳-۱۱۰۴ق) کتاب الطب نشر مؤسسه آل بیت ج ۳ با ۴۳۲ روایت

عقل و ملکات و روایاتی که درباره جسم، صحت و بیماری و طب، خواص میوه ها، درختان و ... باشد، جایز است که به آن روایات اعتماد شود و عموم مردم به آن عمل نمایند. و نیازی به بررسی صحت متن و سند آنها نیست، مگر اینکه قرائن و امارات بر دروغ بودن آن روایات به دست آید. (۴۳).

آیت الله جوادی آملی نیز در معارف غیر اعتقادی که طب نیز از زیر مجموعه آن است، قطعی بودن روایات را شرط نمی داند، و در معارف غیر اعتقادی که نه اصول دین است و نه از احکام عملی، بلکه از معارفی است که بیانگر مسائل علمی و آیات الهی امثال مسائل علمی و طبی و ... است و افاده ظن و گمان را مورد استناد می داند؛ چون روایات که مبین این بخش از معارف است، نه نیاز به ثمره عملی دارد (چنان که در احکام شرط است) و نه جزم علمی (مانند معارف اعتقادی)، بلکه روایات غیر قطعی در حد احتمال قابل پذیرش است. (۴۴). طبق دیدگاه این گروه، خبر واحد در غیر عقاید که روایات طبی نیز از زیر مجموعه آن است، حجت است و نیاز به بررسی سندی و متنی ندارد.

عدم حجیت خبر واحد در غیر فقه علامه طباطبایی خبر واحد را در غیر فقه دارای حجیت نمی داند و حجیت خبر واحد را مختص به فقه می داند: خبر غیر قطعی که در اصطلاح خبر واحد نامیده می شود و حجیت آن در میان مسلمانان مورد اختلاف است، منوط به نظر کسی است که به تفسیر می پردازد. دراهل سنت نوعا به خبر واحدی که در اصطلاح صحیح نامیده می شود، مطلقا عمل می شود و در شیعه آنچه اکنون در علم اصول تقریبا مسلم است، این است که خبر واحد موثوق الصدور در احکام شرعی حجت است و در غیر آنها اعتبار ندارد. (۴۵). همین دیدگاه علامه طباطبایی را در المیزان به طور روشن تر این چنین می خوانیم: روایات آحاد از نظر ما حجت نیست، مگر آنکه محفوظ به قراین علم آور باشد؛ یعنی اطمینان کامل شخصی ایجاد کند، اعم از اینکه اصول دین باشد یا تاریخ یا فضایل یا امثال آن، تنها در فقه است که خبر واحد عاری از قرائن حجت است؛ زیرا اطمینان نوعی در حجیت روایت کافی است. (۴۶).

قائلین به عدم حجیت خبر واحد

عده ای از دانشمندان معتقد به عدم حجیت خبر واحدند. شیخ مفید از نخستین افرادی است که نظر به عدم حجیت خبر واحد بدون همراهی قرائن داده است. (۴۷) سید مرتضی و ابن ادریس حلی نیز از علمای پس از ایشان اند که به شکلی سخت گیرانه حکم به عدم حجیت خبر واحد داده اند. ابن ادریس در کتاب السرائر از قول شریف مرتضی چنین نقل می کند: «...ما در شریعت عمل نمودن به خبر واحد را باطل نموده ایم؛ زیرا خبر واحد نه موجب علم می تواند باشد و نه عملی را می تواند واجب کند. زیرا خبر واحد را اگر شخص عادل دهد، حداکثر گمان و ظن به صادق بودن آن شخص حاصل می شود و کسی که گمان صادق بودنش را می دهد، ممکن است دروغ گو باشد. (۴۸)

خبر از نظر تعداد راویان به خبر متواتر و احاد تقسیم می شود در تعریف خبر متواتر آمده است: خبر یا حدیث متواتر خبری است که در هر طبقه آن تعداد راویان تا معصوم (ع) به حدی باشد که امکان توافق آنها به دروغ محال باشد. (۳۷). مامقانی در تعریف خبر متواتر آورده است: « خبر گروهی از راویان که کثرت آنها از جهت تعداد به حدی برسد که تبانی و اتفاق آنها بر دروغ محال باشد. (۳۸). در مقابل خبر متواتر، خبر واحد قرار دارد. مامقانی در تعریف خبر واحد چنین می گوید: « خبر واحد آن است که به حد تواتر نرسد؛ چه آن خبر یک راوی داشته باشد یا راویان زیاد داشته باشد. (۳۹). به بیان دیگر مهمترین شاخص خبر واحد که سبب تمایز آن از خبر متواتر است، آن است که تعداد راویان آن به گونه ای نیست که موجب علم به مضمون خبر شود. حجیت خبر متواتر مورد اجماع همه علماست، اما حجیت خبر واحد و شرایط آن در میان ایشان مورد اختلاف است. که دیدگاه علما را در این زمینه به چهار دسته می توان تقسیم نمود.

حجیت خبر واحد به طور مطلق

در بین امامیه، اخباریان خبر واحد را به طور مطلق و در همه زمینه ها حجت می دانند. ملا امین استرآبادی تلاش نموده است تا دلایلی برای اعلام حجیت هر دسته از اخبار احاد ارائه نماید به نحوی که به جز روایات متعارض، عمل به سایر روایات واجب باشد. وی در این باره می نویسد: اخبار غیر متواتر دو نوع است: خبر واحدی که متصل به قرینه ای باشد که آن قرینه موجب علم شود از جمله قراین، مطابقت خبر با ادله عقلیه، مطابقت خبر با ظاهر قرآن یا مضموم قرآن و مطابقت با سنت قطعی، و اجماع مسلمانان بر خبر واحد و مطابقت خبر با اجماع فرقه حقه (امامیه) است. و قسم دوم خبر غیر متواتر آن است که خبر واحد از همه قرائنی که بیان شد خالی باشد. پس عمل نمودن به این خبر واحد با بودن شرایطی جائز است اگر خبری با اخبار دیگر تعارض نداشته باشد، این کار باعث واجب شدن عمل به آن خبر می شود (۴۰) به این ترتیب، اخباریان دأثره روایات معتبر را بسیار وسیع می دانند و علاوه بر اعتقاد به حجیت کامل روایات کتب اربعه، مجموعه وسیعی از روایات سایر کتب را نیز حجت شمرده و روایات را به طور مطلق در همه امور به طور مساوی معتبر و حجت می دانند.

در بین اهل سنت نیز علمایی، بدون اشاره به تقسیم خبر به واحد و متواتر آن را به صحیح و حسن و ضعیف تقسیم کرده اند و حجیت روایات صحیح را به صورت مطلق پذیرفته اند. (۴۱).

حجیت خبر واحد در غیر عقاید

برخی از علما خبر واحد را در عقاید حجت نمی دانند، اما در غیر عقاید حجت می دانند. چنان که علامه شعرانی خبر واحد را در اصول دین قابل استناد نمی داند: مطلق خبر واحد در ابواب اصول دین قابل استناد نیست. (۴۲) در نتیجه طبق این دیدگاه خبر واحد در امور طبی حجت است. همچنان که کاشف الغطاء نیز اخباری که مربوط به اخلاق و طب است، بی نیاز از بررسی سندی و متنی می داند و می نویسد: روایاتی که درباره امور اخلاقی و تهذیب نفس و روح و

طبق این دیدگاه خبر واحد فی نفسه حجت نیست و تنها اقتران به قرائن قطعی است که موجب حجیت خبر واحد می شود. بر این اساس اخبار طبی نیز مانند هر خبر دیگر، تا زمانی که قرینه قطعی به صحت آن موجود نباشد، حجیت ندارد. (۴۹)

خبر واحد و روایات طبی

با توجه به دیدگاههای متفاوت علمای اسلامی درباره جایگاه سند در حجیت خبر واحد، می توان این نظرات را در چهار دسته تقسیم نمود:

گروه اول: خبر واحد ذکر شده در کتب حدیثی مشهور را به جهت همراهی با قرائن حجت می دانند.

گروه دوم: حجیت اخبار طبی را مشروط به صحت سند و گزارش روایت توسط راویان ثقه دانسته اند.

گروه سوم و گروه چهارم: اخبار واحد طبی را تنها به شرط همراه بودن با قرائن علم آور، حجت می دانند و صحت سند را به تنهایی در اثبات حجیت این اخبار کافی نمی دانند.

نقد درونی و بیرونی در بررسی روایات طبی

پس از نقد سند در ارزیابی روایات، نقد محتوایی و متنی روایات در تعیین اصالت متن و پرشش از اعتبار آن حائز اهمیت است. زیرا وجود آسیب هایی از جعل و تحریف، تقطیع و نقل به معنا، منجر به این امر شده است که نقد روایی- درایی برای درک صحت و سقم احادیث نیز به کار گرفته شود.

معیارهای سنجش متن حدیث

مطابقت حدیث با قرآن کریم و سنت قطعی

خداوند در سوره انعام قرآن را تفضیل دهنده قرار داده است می فرماید «أَغْيَرَ اللَّهُ أَتْبَعِي حَكْمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا...» (انعام، ۱۱۴)؛ قرآن را به تفصیل به سوی شما فرو فرستاده است. تمییز دادن احادیث صحیح از احادیث ناصحیح نیز در واقع یک نوع داوری است؛ لذا با معیار قرار دادن قرآن در احادیث، داوری را به قرآن می سپاریم. در روایات معصومین (ع) نیز بیان شده است که امر به عرضه روایات به قرآن کریم نموده اند. هشام بن حکم از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «پیامبر (ص) در منی خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: ای مردم! آنچه از من به شما رسد، اگر مطابق قرآن کریم بود، من گفته ام و اگر موافق قرآن کریم نباشد، من نگفته ام.» (۵۰).

در روایتی دیگر امام صادق (ع) درباره معیار بودن قرآن و سنت فرموده اند: «هر چیزی به قرآن کریم و سنت بازگشت دارد و هر حدیثی که موافق کتاب خدا نباشد، آن سخن گزاف است.» (۵۱) علامه شعرانی معیار موافقت روایت با قرآن کریم را ضروری می داند و می نویسد: اگر مضمون حدیثی با قرآن موافق بود، نیازی به بررسی رجال و سند آن نیست. (۵۲).

شایان ذکر است که اگر معنای روایتی مخالف قرآن بود، حتی با وجود صحت سند هم نمی توان جبران این ضعف را نمود. منظور از مخالفت حدیث با قرآن کریم، مخالف مطلق و تباین کلی است.

معیار مهم دیگر عرضه حدیث بر سنت قطعی است که مانند عرضه بر قرآن کریم است. زیرا خداوند در قرآن کریم به اطاعت از پیامبر (ص) همچون اطاعت از خداوند فرمان داده است: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» همچنین در آیه ۸۳ سوره نساء «وَلَوْ رُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَفْضَلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»

« برای تشخیص حق از باطل مردم را به پیامبر (ص) و اوالی الامر که طبق روایات، اهل بیت (ع) هستند (۵۳) ارجاع داده شده است.

احادیثی نیز بر معیار بودن سنت دلالت دارد، از امام صادق (ع) نقل شده است: از جانب ما حدیثی قبول نکنید، مگر اینکه آن حدیث موافق قرآن و سنت باشد یا بر آن احادیث گذشته ما شاهی وجود داشته باشد. (۵۴).

عدم مخالفت حدیث با عقل

یکی دیگر از معیارهای سنجش احادیث، مخالف نبودن حدیث با عقل است همچنانکه قرآن عقل را معیار شناخت حق از باطل معرفی می کند:

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۸)؛ در روایات نیز عقل معیار سنجش صدق و کذب معرفی شده است. ابن سکیت از امام رضا (ع) می پرسد: امروز چه چیزی بر مردم حجت است؟ امام فرمودند: عقل، زیرا توسط عقل نسبت دهنده راست به خداوند و نسبت دهنده دروغ به خداوند شناخته می شود. (۵۵).

بررسی سلامت متن روایت

اصالت سنجی تک تک واژگان و عبارات حدیث، از جهت اینکه آیا تمام این کلمات از زبان معصوم صادر شده است؛ زیرا براساس تاریخ تدوین حدیث غالب روایات به صورت شفاهی و با بهره گرفتن از قوه حافظه منتقل شده است. و تاخیر در تدوین حدیث، احتمال تغییر در سطح الفاظی که راویان از معصومین (ع) شنیده بودند را موجب می شود. این تغییر و تبدیل ها در علم حدیث با عناوینی چون نقل به معنا، تصحیف، تحریف و تقطیع و... یاد می شود.

استفاده از این روش به ویژه درباره روایات طبی در آثار محدثان بزرگی مثل شیخ صدوق تأکید شده است وی ورود روایات جعلی توسط دشمنان جهت تخریب مذهب شیعه، اشتباهات راویان در نقل را یادآور شده و نقش تقطیع روایت را در بدفهمی روایات پزشکی بسیار حائز اهمیت می داند. (۵۶) وی مجموعه احادیث طبی را با توجه به متن و سند به انواع ذیل تقسیم می کند:

۱. احادیثی که مطابق شرایط مکه و مدینه صادر شده و برای مناطق جغرافیایی دیگر، درست نیست.
۲. احادیثی که مطابق وضعیت سائل است.

ایم؛ در صورتی که وجود ابیات و روایات خود شاهد و اعتباری بر استدلال ها و براهین عقلی است ضمن اینکه ممکن است کلام معصوم (ع) حاوی نکاتی فراتر از دستاوردهای علمی امروز بشری باشد و با گذشت زمان هویدا و اثبات شود. در چنین مواردی اگر تنها به تجربه علمی استناد شود آن آموزه و روایت کنار گذاشته می شود. برای مثال توصیه اسلام به مسواک زدن با چوب مخصوص مسواک است که پس از قرن ها ارزش علمی آن با تحقیقات ثابت شد.

نقد بیرونی در بررسی روایات طبی سنجش اصالت کتاب یا روایت در طب متأخر چندین کتاب به معصومین (ع) منسوب شده است که معروف ترین آنها طب الرضا یا رساله ذهبیه است. بحث و نظر درباره انتساب این کتاب زیاد است. دیدگاه مشهور آن است که این روایات یا نوشته خود حضرت (ع) یا گفتارهای حضرت (ع) است که به صورت مکتوب درآمده است. این مدعا در مقدمه اثر نیز بیان شده است. (۶۲). شرح گوناگونی نیز در زمان های مختلف بر این اثر نوشته شده است. برای نمونه (۶۳) اما پژوهش هایی در زمینه انتساب این اثر به امام رضا (ع)، نشان داده است که صحت این انتساب، ثابت نیست و نمی توان به عنوان یک سنت آن را پذیرفت. (۶۴) حتی در پژوهشی دیگر نشان داده شده که علامه مجلسی نیز تردیدهایی در صحت اعتبار این رساله داشته است. (۶۵). اثر مشهور دیگر، طب الاثمه است که شهرت فراوانی دارد؛ اثری که به عبدالله و حسین، فرزندان بسطام بن شاپور نیشابوری، از محدثان شیعی قرن چهارم، منتسب است. احادیث این کتاب به وفور در جوامع روایی متأخر شیعه از جمله وسایل الشیعه و بحار الانوار، ذکر شده است. اما در درستی انتساب روایات این کتاب به معصومین (ع)، نقدهای فراوانی مطرح است. از جمله اینکه روایات آن را جعلی و مبتنی بر طب اسطوره ای (۶۶) و میراثی از غلات مخمسی شیعه قلمداد شده است. (۶۷). در بین اهل سنت نیز تلاش هایی برای نقد روایی انجام شده است که روایات ضعیف یا ساختگی در موضوع طب را گرد آورده است. (۶۸). همچنین بخشی از موسوعه الاحادیث و الآثار الضعیفه و الموسوعه را نیز می توان در این مقوله اشاره کرد که روایات جعلی و ضعیف را در موضوع طب، گردآوری نموده است. (۶۹). (۷۰)

نتیجه گیری

روایات طبی و پزشکی، مورد توجه عموم مسلمانان به ویژه اهل حدیث و طبیبان بوده، و مباحث گسترده ای در این زمینه پدید آمده است. دو رویکرد افراطی و تفریطی در مواجهه با این دسته روایات وجود دارد که گاه حفظ تندرستی و شفا را تنها در این آموزه ها دانسته اند و یا در مقابل، به دیده تردید بدان نگریسته و توجه چندانی به این مقوله ندارند. اما در رویکرد اعتدالی، در مراجعه به احادیث طبی نگاهی عالمانه دارد که با احراز تخصص، می توان به روایات طبی مراجعه و از آن استفاده نمود. با توجه به فاصله گرفتن از عصر حضور ائمه معیارهای نقد بیرونی و درونی روایات می تواند اصالت احادیث و کتب روایی و نسبت صدور آنان را روشن نماید

۳. احادیثی که دشمنان جهت تخریب مذهب وارد کرده اند.

۴. احادیثی که راویان در نقل دچار سهو شدند.

۵. احادیثی که به سبب تقطیع، ناقص شده است و نمی توان به آن استناد کرد مانند آنچه درباره غسل روایت شده است که « شفاء من کل داء» اما مراد، شفای دردی است که از سردی ناشی شده باشد نه هر درد و بیماری، همچنین آنچه در شفا بخشی بادنجان ذکر شده است مربوط به زمانی است که فرد در حال خوردن رطب است نه هر زمانی دیگر. (۵۷)

عدم رکاکت لفظی و غرائب لفظی

پاره ای از روایات متضمن الفاظ غریب است. مقصود از الفاظ غریب، کلمات پیچیده ای است که به دلیل قلت استعمال، فهم آن با دشواری همراه است. (۵۸). ورود الفاظ غریب در روایات نبوی در بسیاری از مواضع، از عوارض نقل به معنی در حدیث بوده و در نتیجه در صحت انتساب این گونه روایات به پیامبر (ص) جای تردید وجود دارد. عدم رکاکت لفظی، یکی دیگر از معیارهای حدیث صحیح است. پیامبر (ص) فرمودند: هر گاه از من حدیثی شنیدید که دلہایتان به آن گواهی داد و مو و پوست بدنتان آن را دوست داشت و دیدید که به شما نزدیک است، بدانید که من به آن سخن از شما نزدیک ترم، اما اگر از قول من سخنی شنیدید که دلہایتان با آن آشنا نبود و موها و پوستتان از آن سخن خوشش نیامد و دیدید که از شما دور است بدانید که من به آن سخن از شما دورترم. (۵۹).

مخالف نبودن حدیث با تجربه و دستاوردهای قطعی علم یکی از معیارهای پذیرش حدیث مخالفت نداشتن با تجربه و علم روز است. حتی اگر از جهت سند یا متن مشکلی نداشته باشد. شایان ذکر است منظور از تجربه و علم، نتایج قطعی غیر قابل خدشه است، نه فرضیه های علمی که ممکن است در آینده خلاف آن اثبات شود. یکی از زمینه هایی که بر دلالت روایات طبی تاکید می شود، پاسخ به شبهاتی درباره تعارض روایات با علم طب است. (۶۰).

با عنایت به این نکات، پذیرش تعبیدی مفاد روایات طبی منتفی شده و راه برای تصادم مفاد روایات طبی با آموزه های قطعی علم طب، هموار می شود؛ زیرا حتی با فرض صحت سند یک روایت طبی، احتمال خطای راوی در نقل کامل و صحیح و یا رهیافت تصحیف در متن روایت همچنان وجود دارد؛ در این صورت مؤمن از روی تعبد به متن روایت عمل کند یا تسلیم دستاورد طبی باشد؛ با توجه به اینکه آموزه های طبی، تجربه پذیرند، چرا راه پذیرش به تعبد محدود شود؟! روشی که خود ائمه معصومین (ع) در مناظرات به کار می گرفتند استفاده از عقل و براهین عقلی به عنوان معیار داوری است. از همین رو به ویژه در دوران معاصر این قاعده وضع می شود که روایات طبی نباید مخالف اصول و قواعد مسلم علم پزشکی باشد و چنانچه این تعارض به وجود آید، باید روایت را به کنار نهاد. (۶۱).

اما باید به این نکته هم توجه کرد که اگر پذیرش روایات را تنها منوط به تجربه، آزمایش و دستاورد های قطعی علم بدانیم؛ یعنی گفتار معصوم را فقط در صورت انطباق با علم، قابل پذیرش دانسته

7. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59.
8. Abi Duniya, Abdullah bin Muhammad (1422 AH), the death of Amir al-Mu'minin Ali bin Abi Talib, peace be upon him, Damascus: Dar al-Bashair.
9. Sharif Qureshi Baqar (1325), Life of Hasan bin Ali(As), translated by Fakhreddin by Hijazi, Tehran: Ba'ath foundation.
10. Qomi, Abbas(1379), Mantehi al-Amal fi Tawarikh alNabi, Qom: Dalil Ma, first.
11. Hakem Nishaburi, Abu Abdallah (Bita), Al-Mustadrak Al-Sahihin, Beirut: Darul-Kitab Al-Alamiya, Vol.4; Ibn Majah, Muhammad Ibn Yazid (Bita), Sunan, by the efforts of Muhammad Fouad Abdul Baqi, Beirut, Vol.2;- Abu Dawood Sajestani Azdi, Suleiman bin Ash'ath, Sunan Abi Dawud, Beirut: Darahiya Sunnah al Nabiyah, Vol.2; Bukhari, Muhammad bin Ismail(1401), ; Al-Jame Sahih, Beirut, Vol.7; Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59.
12. Ibn Shuba Harrani, Hasan(1404) Tohf al Aqool, Qom.
13. Abna Bastam, Abdullah and Hossein(1411), Medicine of the Imams, Qom.
14. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59.
15. Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali(1414.AH), Belifs of al – Amamiyah, Qom, Vol.2.
16. Abna Bastam, Abdullah and Hossein(1411), Medicine of the Imams, Qom.
17. Bukhari, Muhammad bin Ismail(1401), Al-Jame Sahih, Beirut, Vol.7
18. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ai Akbar Ghafari, Tehran, Vol.6.
19. Ibn Nadim, Muhammad Ibn Ishaq (Bita),), Al-Fehrest, by the efforts of Muhammad Fawad Abd al-Baqi, Beirut.

در اعتبار سنجی سندی روایات طبی، روایات متواتر محفوف به قرائن نزد همگان حجت است. روایت طبی راویان ثقه نیز نزد قائلان به حجیت مطلق خبر واحد و قائلان به حجیت خبر واحد در غیر عقاید، حجت است. اما معتقدان به عدم حجیت خبر واحد غیر محفوف به قرائن و معتقدان به حجیت خبر واحد در ثقه، خبر واحد طبی را حجت نمی دانند. در اعتبار سنجی متنی و محتوایی و بیرونی روایات طبی معیارهای عمومی نقد متن نظیر عدم تعارض با قرآن و سنت قطعی، عقل و عدم مخالفت با تجربه و دستاوردهای قطعی علم مورد توجه است. در نقد بیرونی بررسی اصالت کتب طبی و یا تک تک روایات منسوب از حیث انتساب واقعی شان با معصومان (ع)، همچنین مواردی نظیر سلامت متن و الفاظ و وجود آسیب هایی نظیر نقل به معنا، تحریف و تصحیف و تقطیع حائز اهمیت است. این مهم، امروزه اهمیت بیشتری یافته است زیرا اقبال عمومی به طب بر اساس آموزه های پیشوایان دینی رو به افزایش است و می توان امید داشت که با رویکردی روشمند، از احادیث معصومان (ع) برای تکامل طب جامع و سلامت جامعه بهره برد.

References

- The Holy Quran, Using the translation of Mohamaf Ayati and Mohammad Mehdi Foladvand.
1. Ayatollah Misbah 's Speech at the Prophetic Medicin Conference on 11/12/1385.
 2. Ketani, Abdul Hai(1384), Administrative system of Muslims in the early days of Islam translated by Zakowati, Qom: Samt.
 3. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59.
 4. Waqidi, Mohammad bin Saad(1374), Tabaqat al-Kobri, translated by Mahdavi Damghani, Tehran: Farhang and Andisheh. Vol.6.
 5. Waqidi, Mohammad bin Saad(1374), Tabaqat al-Kobri, translated by Mahdavi Damghani, Tehran: Farhang and Andisheh. Vol.3.
 6. Ibn Athir al-Jazari, Ghazaldin(1995), Asad al-Ghabe in the knowledge of the Companions, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, Vol.1; Ibn Abdulbar(1992), Al-Istiyab in the knowledge of the Companions, by the efforts of Ali Muhammad Al-Bajawi, Beirut: Dar al-Jeel, Vol. 1.

- Tehran, Vol.6; Bukhari, Muhammad bin Ismail(1401), Al-Jame Sahih, Beirut, Vol.7
36. Paketchi, Ahmed(1392), A research about Sunni Hadith communities, Tehran; Paketchi, Ahmed(1396), Essays on Validation and Understanding of Medicine Publication, tehran
37. Khatib Baghdadi, Ahmed bin Ali(1349), History of Baghdad, Cairo: Al-Saada Publishing; Maudab, Reza(1378), Qom: Ahsan al Hadith.
38. Mamqani, Abdullah(1411AH), Muqbas al- Hidayah fi Science al Daraya, Qom: Al-Bayt Institute(A.S.), Vol.1
39. Mamqani, Abdullah(1411AH), Muqbas al- Hidayah fi Science al Daraya, Qom: Al-Bayt Institute(A.S.), Vol.1
40. Strabadi, Muhammad Amin(1424 AH), al-Fawad al Madaniyyah, by the efforts of Rahmatullah Rahmati, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
41. Ibn Salah, Uthman bin Abdul Rahman(1406AH), Introduction by Ibn Salah, Beirut: Dar al-Fikr al-Mowaser, Vol.1
42. Razi, Abd al-Rahman ibn Muhammad(Ibn Abi Hatim) (1372 AH), Al-Jarh and Al-Tadail, Beirut: Darahiya al-Torath al-Arabi, Vol.1
43. Al- Kashif al- Ghita, Mohammad Hossein(1416AH), Al- Ard and Turba al Husayn: Al Majma ahlol-Bayt, Qom.
44. Javadi Amoli, Abdullah(1401), Tafsir Tasnim, Qom: Isra, second edition. Vol.1
45. Tabatabai, Seyyed Mohammad Kazem and Hadi Nasiri(2011), "Research on the validity of Risalah Dhahabiyyah", Journal of Hadith Science, No. 63.
46. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein(Bita), Al- Mizan, Qom: Islamic Publications, Vol.8.
47. Mofid, Muhammad bin Muhammad, (1993), Al-Amali, Beirut: Dar al-Mufid.
48. Helli, Hassan bin Ali Ibn Dawood(1392AH), al- Rejal, Najaf Ashraf: Heydarieh, Vol.1.
20. Haji Khalifa (Bita), Kashf al-Zanoon, Beirut, Vol.2.
21. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59
22. Al-Reza medicine (1402AH), Al-Rasalah al-Zahabiyyah.
23. Shabar, Abdullah(1428), Medicine, Beirut, Vol.2; Abna Bastam, Abdullah and Hossein(1411 AH), Medicine of the Imams, Qom.
24. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ai Akbar Ghafari, Tehran, Vol.2.
25. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ai Akbar Ghafari, Tehran, Vol.2.; Abna Bastam, Abdullah and Hossein(1411), Medicine of the Imams, Qom.
26. Ibn Ghiyath al-Din, Muhammad Ala'i(1428), Generalities of Majmaal al Dawaat al-Kabir, Beirut.
27. Nahj al-Balaghe, Hikmat 128.
28. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59
29. Mofid, Muhammad bin Muhammad(1414AH), Correcting the beliefs of al-Amamiyah, by the efforts of Dargahi, Hossein, Qom, , Sheikh Mofid Congress.
30. Ibn Tавus, Ali Ibn Musa(Bita), Faraj al-Mahmoum, Qom: Mansurat al-Razi.
31. Ibn Qayyim, Muhammad Ibn Ayyub(1407), Zad al-Ma'ad in Hoda Khair al-Abad, Beirut, , Al-Resalah Institute, Vol.4
32. Ibn Khaldoun, Abdul Rahman(1408AH), History, By the effort of Khalil Shehadeh, Beirut, Vol.1.
33. Khajeh Nasir-o-din Toosi(1405AH), Compendium of al-Muhasel al-Muhsel known as Naqd al-Muhasel, Beirut.
34. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.59; Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali(1414.AH), Belifs of al – Emamiyah, Qom, Vol.2.
35. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ai Akbar Ghafari,

validity of Risalah Dhahabiyyah", Journal of Hadith Science, No. 63.

65. Bahar Abedi, Ahmad and Jafarenkonam, Hadi Nasiri, "Allameh Majlesi's Open and Hidden Doubts About the Authenticity of the Dhahabiyyah Treatise", Journal of Religious Research.

66. Behbodhi, Muhammad Baqir(1427), Knowledge of Hadith and the History of Publications and Compilations and Culture of Al Al-Shia Al- Emamiyya, Beirut.

67. Ansari Hassan, from the legacy of the book of medicine attributed to Bastam's, sons, in the collection of historical studies in the field of Islam and Shiism, Tehran.

68. Ibn ABI Hatam(Bita), Abd al Rahman, Al Ellal, With the effort of saad al Hamid(the version of the Al-Shalimeh School.), vol.2

69. Halabi, Ali Hassan, Ebrahim Al-Qaisi, and Hamdi Murad (1419 A.H.), Encyclopedia of Ahadith and Al-Athar Al-Dha'ifah and Al Mozoah, Riyadh, Vol.14 Mirhosseini, Yahya(1396), the article "Historical review on the concept and position of the medicine of the Prophet and the medicine of the Imams researches in the validation and understanding of medical traditions: p.75-57.

49. Mehrizi, Mehdi and Mohammad Aref Heydar Qazalbash(1396), "Fundamentals of Validity of Medical Narratives" Essays on Validation and Understanding of Medical Narratives: p361-335.

50. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ail Akbar Ghafari, Tehran, Vol.1.

51. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ail Akbar Ghafari, Tehran, Vol.1.

52. Faiz Kashani(1430AH), Kitab Al-Wafi, Isfahan, Maktab Amirul Munin Ali (AS), Vol.2

53. Barqi, Ahmad bin Ahmad (1371), Mahasan, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya, Vol.1.

54. Majlisi, Mohammad Baqir(1403AH), Bahar Al-Anwar, Beirut, Vol.2

55. Koleini, Mohammad bin Yaqub(1356), Al-Kafi, by Ail Akbar Ghafari, Tehran, Vol.1.

56. Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali(1414.AH), Belifs of al – Emamiyah, Qom.

57. Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali,(1362), Al-Khesal, Qom.

58. . Abu Zahu, Muhammad (Bita), Al-Hadith and Al-Muhaddithun :Dar al-Kitab al-Islamiyyah.

59. Motaghi Hendi, Aladdin(1989), Kenz al-Ammal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal, Beirut, Al-Resaleh, Vol.1.

60. Ibn juzi, Abd al Rahman bin Ali (1368), The abundance of benefits of medical science, Cario

61. Nasiri, Ali(1396), Genealogy of Medical Narratives, Essays on Validation and Understanding of Medical Narratives:p.128-107.

62. Al-Reza medicine (1402AH) Al-Rasalah al-Zahabiyyah.

63. Agha Bozur Tehrani (1403), Al-Dhari'a, Beirut: Dar al-Azwa'a, Vol.10.

64. Tabatabai, Seyyed Mohammad Kazem and Hadi Nasiri(2011), "Research on the